

ترجمه ناپذیرها در شعر فارسی

دکتر سالار منافعی اناری*

چکیده

ترجمه پذیری عبارت است از قابلیت انتقال یک معنی از زبانی به زبان دیگر بدون آنکه تغییری اساسی در آن صورت گیرد، و لذا ترجمه ناپذیری هم وقتی مطرح می شود که معنایی بدون تغییر مهم قابل انتقال به زبان دیگری نباشد. شعر فارسی از ویژگی های زبان شناختی و از محسنات ادبی خاصی برخوردار است که اغلب آنها گرچه قابل فهمند ولی قابل ترجمه نیستند. این ظرافت ها و زیبایی های ادبی مانند وزن، قافیه، شیوایی، رسائی و خوش آهنگی اغلب غیرقابل انتزاع از صورت متن اصلی هستند و لذا بدون تغییر اساسی قابلیت انتقال به زبان دیگری را ندارند.

هیچیک از ترجمه های انگلیسی اشعار کلاسیک فارسی هرچه دقیق و استادانه هم که باشد مطابقت کامل با متن اصلی ندارد؛ در هر ترجمه ای جنبه هائی از ماهیت شعر و محسنات ادبی آن دگرگون شده و یا بکلی از بین رفته است، و لذا آن لذت دل انگیز و آن احساس خوش آیند و شورانگیز که از خواندن متن اصلی می تواند به دست آید با خواندن هیچ ترجمه ای حاصل نمی گردد. هدف این مقاله بررسی حدود ترجمه پذیری در شعر فارسی است. در این راستا روشهای مختلف ترجمه شعر با هم مقایسه می شوند تا محسنات و معایب آنها مورد ارزیابی قرارگیرد و میزان کارائی هریک در ترجمه شعر فارسی مشخص گردد.

واژگان کلیدی: لفظ گرائی، معنی گرائی، ترجمه پذیری، شبیه سازی، تعادل.

* دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

شعر فارسی، چه از نظر محتوا و چه از نظر سبک، از شاهکارهای ادبی جهان به شمار می رود. علاوه بر وزن و قافیه که از مختصات شعر، به ویژه شعر کلاسیک، به حساب می آیند، زیبایی های دیگری مانند شیوایی، رسائی و خوش آهنگی نیز از محسنات ادبی شعر فارسی می باشند که اغلب ترجمه ناپذیر و غیر قابل انتقال به زبان دیگرند. نه تنها این زیبایی های ادبی صوری در ترجمه می روند بلکه جنبه های از معنی نیز که در ارتباط با این محسنات هستند به ترجمه منتقل نمی شوند. بنابراین ترجمه شعر فارسی به زبان دیگر بدون تعدیل و تغییر در محسنات ادبی آن امکان پذیر نیست و لذا ترجمه آن هرگز مطابقت کامل با متن اصلی ندارد و آنچه بیش از هر چیز دیگر در جریان ترجمه از بین می رود ماهیت شعر و ویژگی های اساسی آن است. رابرت فراست سخن معروفی در مورد ترجمه ناپذیری شعر دارد و آن اینکه در ترجمه شعر آنچه از بین می رود خود شعر است.

ترجمه ناپذیری بسیاری از ویژگی های شعر فارسی هرگز باعث آن نشده است که مترجمان ادبی دست به ترجمه آن نزنند. تاکنون ترجمه های زیادی از اشعار فارسی به زبان انگلیسی صورت گرفته اما آنچه در همه این ترجمه ها انکار ناپذیر است این است که هیچیک مطابقت کامل با متن اصلی ندارد؛ در هر ترجمه ای جنبه های از ماهیت شعری و ویژگی های اساسی شعر فارسی دگرگون شده و یا بکلی از بین رفته است، و لذا آن معنی و احساسی که از خواندن متن اصلی به دست می آید هرگز به طور کامل با خواندن این ترجمه ها حاصل نمی گردد. گرچه مترجم های مختلف با توجه به توانی که داشته اند و روشی که در ترجمه اتخاذ کرده اند ترجمه های متفاوتی را از یک متن ارائه داده اند که برخی از آنها در رساندن معنی اصلی و برخی دیگر در انعکاس مشخصات شعری به متن اصلی نزدیکترند اما هیچ ترجمه ای وجود ندارد که تمام محسنات ادبی شعر فارسی و نیز معنی کامل متن اصلی در آن منعکس شده باشد، در هر ترجمه ای بخشی از معنی و زیبایی شعر از دست رفته و تفاوت ترجمه های یک متن نیز بیشتر مربوط به تفاوت بودن میزان دوری و نزدیکی هر ترجمه نسبت به متن اصلی است. بطور کلی در ترجمه شعر معمولاً آن بخش از معنی که بیشتر جنبه احساسی دارد و متضمن ایهام و اشاره است ترجمه ناپذیر می ماند و به زبان مقصد منتقل نمی شود.

هدف این مقاله بررسی حدود ترجمه پذیری در شعر فارسی است تا مشخص شود چه میزان از معنی متن اصلی و کدامیک از محسنات ادبی اشعار فارسی را می توان از طریق ترجمه به زبان دیگری منتقل کرد که البته منظور از زبان دیگر در اینجا زبان انگلیسی می باشد، به عبارت دیگر، هدف از این پژوهش یافتن پاسخ به این سؤال است که: در ترجمه اشعار فارسی به زبان انگلیسی چه جنبه هائی ترجمه پذیر و چه عناصری ترجمه ناپذیرند؟ روش پژوهش مطالعه نظریه های ترجمه شعر و مقابله برخی از ترجمه های انگلیسی اشعار کلاسیک فارسی با متن اصلی است تا نشان داده شود چه قسمتهائی از متن اصلی در ترجمه منعکس شده و چه جنبه هائی به علت ترجمه ناپذیر بودن به نحو دیگری ارائه شده و یا اصلاً ارائه نشده است.

ترجمه پذیری و ترجمه ناپذیری

منظور از ترجمه پذیری معمولاً قابلیت انتقال یک معنی از زبانی به زبان دیگر بدون تغییر اساسی در آن است، و لذا ترجمه ناپذیری هم وقتی مطرح می شود که نتوان معنائی را بدون ایجاد تغییرات مهم در آن در زبان دیگری بیان کرد. از نظر ناید او تیسر (۱۹۶۹:۴) "هر پیامی را که بتوان در یک زبان بیان کرد در زبان دیگری هم می توان گفت مگر آنکه صورت آن بیان جزء لاینفک پیام باشد" از جمله مواردی که صورت لازمه پیام است بیان شعر است، و لذا در ترجمه شعر نباید صورت آن به گونه ای تغییر یابد که ویژگی های شعری آن بکلی از بین بروند و هیچ نشانی از شعر بودن متن اصلی در ترجمه دیده نشود. پس صورت شعر جز لاینفک و لازمه پیام آن است و اگر در ترجمه طوری دگرگون شود که تشخیص بین نظم یا نثر بودن متن اصلی از روی آن مشکل باشد پیام منتقل شده به ترجمه متفاوت از پیام متن اصلی خواهد بود، چرا که جنبه هائی از پیام شعر از طریق ویژگی ها و صورت خاص شعر منتقل می شوند و با از بین رفتن آنها در ترجمه بخشی از پیام نیز از بین می رود.

از دیدگاه زبانشناسی هر زبانی برای رساندن یک پیام صورت و ساختار خاص خود را در نظم و نثر دارد که متفاوت از زبان های دیگر است، بنابراین هیچ مترجمی نباید صورت و ساختار یک زبان را به زبان دیگری تحمیل کند و با ترجمه کلمه به کلمه فقط جای کلمات متن اصلی را با کلمات زبان مقصد عوض کند، زیرا در این صورت زبان ترجمه ابهام آمیز، غیر طبیعی و نامفهوم و در نتیجه معنی نیز تحریف خواهد شد. توجه و

پایبندی به صورت و ساختار زبان مقصد از وظایف اولیه هر مترجم است، به این معنی که مترجم باید نزدیکترین صورت به صورت اصلی را در زبان مقصد انتخاب کند تا از این طریق بتواند بهترین و نزدیکترین معادل متن اصلی را در زبان مقصد ارائه دهد. هر چند در هر زبانی می توان برای رساندن یک پیام از صورت های مختلفی استفاده کرد اما باید دانست که حتی در یک زبان بسختی می توان دو صورتی پیدا کرد که دقیقاً یک و همان پیام را داشته باشند. مشابهت معنایی بین دو صورت زبانی امکان پذیر است اما مطابقت کامل ممکن نیست، چرا که با عوض شدن صورت پیام در خود پیام نیز تغییری حاصل می شود، هرچند که این تغییر یا دگرگونی ممکن است چنان اندک و ناچیز باشد که بدون بررسی دقیق تشخیص داده نشود. لذا اغلب دیده می شود، مترجم های مختلف برای رساندن یک پیام معین از صورت های متفاوتی استفاده کرده اند که اغلب آنها درست و قابل قبولند. چنین صورتهای قابل قبول همه با هم مترادفند و لی مطابقت کامل باهم ندارند.

اینجاست که باید گفت در ترجمه برابری کامل (identity) امکان پذیر نیست، آنچه امکان دست یابی دارد تعادل (equivalence) است که می تواند در صورت های گوناگون بیان شود. انتخاب نزدیکترین معادل در زبان مقصد نیز خود اشاره به این نکته است که صورتهای گوناگونی برای رساندن پیام مورد نظر در زبان مقصد وجود دارند و مترجم باید بهترین و مناسب ترین آنها را انتخاب کند.

صورت پیام در متون فلسفی، دینی و ادبی از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا در این متون که از حساسیت خاصی برخوردارند هر نوع تغییر در صورت ممکن است نوعی دگرگونی یا تحریف در پیام را به دنبال داشته باشد و یا حداقل از فصاحت و بلاغت یا شیوایی و رسائی و نیز شیرینی و جذابیت متن بکاهد. در شعر که سر آمد متون ادبی است صورت و ساختار زبان چنان لطیف، دقیق، موزون، خوش آهنگ و شیرین و جذاب است که هر تغییری در آن این زیبایی های ادبی را دگرگون می کند و یا از بین می برد. حال با در نظر گرفتن این حقیقت انکار ناپذیر این سؤال پیش می آید که آیا ترجمه شعر، بخصوص شعر فارسی که زیبایی هایش دو چندان است، مجاز و قابل قبول است؟ آیدرست این نیست که علاقمندان به شعر فارسی به جای خواندن ترجمه های انگلیسی ناموزون و ناخوش آهنگ اشعار زیبای حافظ و سعدی، خود متون شیرین و جذاب اصلی را

بخوانند و از جنبه های ترجمه ناپذیر آنها نیز استفاده کنند؟ آیا ترجمه اشعار فارسی به زبان انگلیسی و یا به زبان های دیگر آن قدر اهمیت و ارزش دارد که به خاطر آن حتی بناچار باید از انتقال محسنات ادبی متن اصلی به ترجمه صرف نظر کرد و فقط به انتقال کلیات پیام بسنده نمود؟

ترجمه وسیله ای برای ارتباطات فکری و فرهنگی

در پاسخ به این سئوالها و سئوالهای مشابه باید گفت درست است که بسیاری از محسنات ادبی اشعار زیبای فارسی در ترجمه های انگلیسی آنها از بین رفته اند اما ترجمه نیز لازم و گاهی اجتناب ناپذیر است چرا که بهترین وسیله برای ارتباطات فرهنگی و انتقال افکار و اطلاعات در میان ملل و اقوام مختلف می باشد. ترجمه اشعار حافظ و سعدی به زبان انگلیسی اندیشه های این دو اندیشمند بزرگ ایرانی را در دسترس انگلیسی زبانان در سراسر جهان قرار داده است. هر چند در این ترجمه ها از زیبایی های ادبی متون اصلی انعکاس زیادی دیده نمی شود اما از این نظر که وسیله ای برای نشر افکار حافظ و سعدی می باشند بسیار اهمیت دارند و این اهمیت می تواند فراتر از فقدان برخی از محسنات ادبی متون اصلی در آنها باشد.

از نظر دکتر حسین رزمجو (هشت: ۱۳۶۳) بوستان سعدی را می توان وسیله ای برای گسترش ارزشهای انسانی و صلح و دوستی میان افراد بشر به حساب آورد: « جنبه های مشترک اخلاقی و معنوی موجود در بوستان که مورد احترام و پذیرش همه فضیلت خواهان و بشردوستان جهان می باشد، آنچنان شایستگی و اعتباری را به این کتاب مستطاب ارزانی داشته که جا دارد از آن به عنوان وسیله ای در جهت گسترش ارزشهای انسانی و تفاهم میان ملل و مآلاً برقراری صلح و دوستی میان افراد بشر بهره برداری شود.» روشن است که ایفای چنین نقش مهمی از جانب بوستان سعدی وقتی بیشتر مورد انتظار خواهد بود که این کتاب از طریق ترجمه به زبانهای زنده جهان در اختیار بشر دوستان ملل مختلف قرارگیرد هر چند که ممکن است در این ترجمه ها خواه ناخواه محسنات ادبی بخاطر رساندن پیام متن اصلی دگرگون شوند و یا از بین بروند. آنچه اولویت دارد رساندن پیام است و گاه بخاطر آن بناچار باید از انتقال برخی زیبایی های صوری به ترجمه صرف نظر کرد تا محتوای پیام به دلیل تحمیل ساختارهای متن اصلی به زبان مقصد تحریف نگردد، گرچه در ترجمه اشعار فارسی به انگلیسی، با تغییر صورت و

ویژگی های ادبی متن اصلی نیز تغییراتی در محتوای پیام ایجاد می گردد و معنی متن اصلی با تمام ابعاد و لطایف و دقایق آن به ترجمه منتقل نمی شود. علاوه بر ترجمه ناپذیری بسیاری از محسنات ادبی در شعر فارسی، برخی از واژگان آن نیز که خاص فرهنگ و ادب فارسی هستند به دلیل نداشتن معادل در زبانهای دیگر قابل ترجمه نیستند؛ به عنوان مثال می توان به واژه «سیمرغ» در آثار عطار و سعدی و غیره اشاره کرد که در ترجمه های انگلیسی به همان صورت «سیمرغ» (simurgh) آورده شده است. به دو ترجمه انگلیسی زیر از بوستان سعدی توجه کنید:

چنان پهن خوان کرم گسترد که سیمرغ درقاف قسمت خورد

He spreads so wide a tray of liberality,
That the Simurgh in (the mountains of) Kàf (the Caucasus)
enjoys a portion .

(Tr. by H.W. Clarke)

So wide He spreads His table`s liberality
That even Simurgh eats his share on Qàf.

(Tr. by G.M. Wickens)

در هر دو ترجمه علاوه بر آنکه محسنات ادبی متن اصلی از قبیل وزن، قافیه، خوش آهنگی و غیره از بین رفته اند و کلمه «سیمرغ» به خاطر ترجمه ناپذیری آوانگاری شده است دو ترجمه به دلیل دو گونه خواندن قسمتی از متن اصلی تفاوت های معنایی نیز با هم دارند، به این معنی که «سیمرغ در قاف» در ترجمه اول «سیمرغ در قاف» و در ترجمه دوم «سیمرغ در قاف» خوانده شده است.

میزان ترجمه پذیری در متون مختلف متفاوت است و روش اتخاذ شده در ترجمه نیز در کمیت و کیفیت آنچه در زبان مقصد ارائه می شود تأثیر دارد. به عبارت دیگر، ماهیت متن اصلی و روش ترجمه هر دو در میزان ترجمه پذیری نقش اساسی دارند.

روشهای ترجمه متون ادبی

یکی از روشهای ترجمه متون ادبی ترجمه لفظ گرا است. در این روش مترجم تلاش می کند برای هر یک از کلمات متن مبدأ واژه ای در زبان مقصد ارائه دهد، یعنی تا آنجا که ممکن است تمام کلمات را ترجمه کند. این نوع ترجمه وقتی قابل قبول است که

معیارهای نحوی زبان مقصد در آن رعایت شده باشد. برخی از طرفداران این روش بر این عقیده اند که ترجمه لفظ گراتنها روشی است که می تواند «اساس» شعر را به زبان مقصد منتقل کند. نیومارک (۱۹۸۸) ضمن طرفداری مشروط از ترجمه لفظ گرا بین این نوع ترجمه و ترجمه لفظ به لفظ تفاوت قائل می شود و می گوید: «ترجمه لفظ گرا درست است و نباید از آن اجتناب شود مشروط بر اینکه معادل معنایی و ساختاری متن اصلی باشد.» آنچه در ترجمه مورد توافق همه صاحب نظران می باشد رساندن معنی است، اختلاف نظر در نحوه تعیین صورت ترجمه است.

بعضی از دانشمندان بر این عقیده اند که برای حفظ معنی بهتر است نحوه کلمه بندی متن اصلی نیز حفظ شود و معادل تک تک کلمات در ترجمه ارائه گردد. این روش لفظ گرا که طرفداران زیادی بخصوص در ترجمه شعر دارد به دو حالت می تواند صورت گیرد: یکی ترجمه کلمه به کلمه و کاملاً تحت اللفظی با حفظ ساختار نحوی متن اصلی در ترجمه است که اغلب از نظر معنایی مبهم و نامفهوم و از نظر ساختاری تصنعی و غیرطبیعی می باشد و لذا مردود و غیرقابل قبول است، چرا که هر زبانی ساختار نحوی خاص خود را دارد که عدم رعایت آن باعث عدم پذیرش در آن زبان می گردد. این نوع ترجمه غیر قابل قبول از دیدگاه نیومارک ترجمه لفظ به لفظ-word-for-word (word) و از نظر جان بیکن و جان کالو (۱۹۷۴) ترجمه کامل تحت اللفظی highly literal نام دارد. باسیل حاتیم وایان میسون (۱۹۹۰:۵) در بحث از این روش به سخن صلاح الدین، مترجم قرن چهاردهم، اشاره می کنند که در مورد مترجمین پیشین عرب می نویسد: آنها (در ترجمه از یونانی به عربی) معنی هر کلمه یونانی را پیدا کرده معادل آنرا به عربی می نوشتند. این روش در ترجمه تمام کلمات بترتیب متن اصلی انجام می شد تا اینکه متن مورد ترجمه به پایان برسد

(به نقل از بدوی [۱۹۶۸:۳۳]-در کتاب ترجمه ما)

صلاح الدین عیب چنین روش ترجمه را در دو نکته زیر می داند:

۱- این فرض که هر کلمه یونانی معادلی در زبان عربی دارد درست نیست.

۲- ساختار جمله در یک زبان با ساختار زبان دیگر متفاوت است.

حالت دیگر لفظ گرائی از دیدگاه بیکن و کالو (۱۹۷۴:۳۳) ترجمه لفظی

متعادل (modified literal translation) است که در آن با توجه به معیارهای

دستوری زبان مقصد تعدیلات و تغییراتی در ساختار ترجمه در مقایسه با متن اصلی صورت می‌گیرد تا از ابهامات معنائی ناشی از ساختارهای غیر معمول در زبان مقصد جلوگیری به عمل آید. بسیاری از صاحب‌نظران ترجمه که از آنها اغلب با عنوان «لفظ‌گرایان» (literalists) یاد می‌شود این روش را بهترین برای ترجمه شعر می‌دانند. ولادیمیر نبوکوف ترجمه لفظی را تنها نوع ترجمه می‌داند که می‌تواند ماهیت شعر را از زبان مبداء به زبان مقصد منتقل کند. منظور وی از ترجمه لفظی، آنطور که حاتیم و میسون (۱۹۹۰: ۱۴) نقل می‌کنند، ترجمه هر چه دقیقتر معنی متن اصلی با در نظر گرفتن ظرفیت‌های معنائی و نحوی زبان مقصد می‌باشد و به گفته وی ترجمه درست فقط همین است. از دیدگاه داگلاس رابینسون (در دائره المعارف ترجمه، ویراسته موناپیکر، ۱۹۹۸) نبوکوف مفهوم قدیمی ترجمه را تأیید می‌کند آنجا که می‌گوید: «کسی که می‌خواهد یک شاهکار ادبی را به زبان دیگر برگرداند تنها یک وظیفه دارد و آن اینکه تمام متن را با دقت کامل و بدون کم و کاست ترجمه کند.» (ص ۱۲۵). ترجمه لفظی نه تنها همیشه ترجمه نامناسبی نیست بلکه گاهی با توجه به نوع متن می‌تواند بهترین روش باشد. در متون دینی و ادبی، بخصوص در شعر، که انتخاب کلمات و ساختار نحوی بسیار دقیق و حساب شده هستند در اغلب موارد ترجمه تمام کلمات به همان صورت اصلی و نیز حفظ سبک و سیاق متن اصلی در ترجمه ضروری است تا تحریفی در رساندن پیام صورت نگیرد.

به دو ترجمه انگلیسی زیر توجه کنید:

a. We worship Thee.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ: ترا می‌پرستیم.

b. Thee we worship.

ساختار ترجمه اول الگوی «مفعول + فعل + فاعل» (S+V+O) را دارد و از ساختارهای پایه و معمول در زبان انگلیسی است که از نظر دستوری و طبیعی و معمولی بودن جمله هیچ مشکلی ندارد و تمام لغات متن اصلی هم درست ترجمه شده‌اند، اما هنوز این جمله ترجمه درستی برای متن اصلی نیست زیرا ساختار نحوی متن اصلی که «حصر عبادت» را می‌رساند در این ترجمه دیده نمی‌شود، بنابراین ترجمه انگلیسی دوم که لفظ‌گرا و در سبک و سیاق متن اصلی می‌باشد درست و دقیق است، و لذا لفظ‌گرایی و نیز ساختارگرایی در چنین مواردی در متون دینی برای انتقال درست پیام ضروری است.

به نمونه ای از ترجمه انگلیسی کلارک از بوستان سعدی نگاه کنید :

قدیمی نکوکار نیکی پسند به کلک قضا در رحم نقشبند

The ancient doer of good , good-approving;
With the reed of Destiny, in the womb, picture-painting.

همان طور که می بینید در ترجمه انگلیسی هم لفظ گرائی و هم ساختار گرائی به وضوح دیده می شود ، به عبارت دیگر، علاوه بر ترجمه تمام کلمات ، ساختار نحوی ترجمه نیز به همان سبک و سیاق متن اصلی است. گرچه این ترجمه در زبان انگلیسی قابل قبول است اما طبیعی تر می بود اگر سطر دوم ترجمه با تعدیل در ساختار به صورت زیرنوشته می شد:

Picture-painting with the reed of Destiny in the womb.

البته ویکنز ، مترجم دیگر بوستان سعدی ، بعد از کلارک چنین تعدیلی را در ساختار ترجمه اش انجام داده و این شعر را به صورت زیر به انگلیسی برگردانده است :

Ancient , Good-doer and Approver of goodness,
Limner with the Pen of Destiny within the womb.

اگر این دو ترجمه انگلیسی از شعر مذکور سعدی را با هم مقایسه کنیم ترجمه کلارک را ترجمه لفظی (literal) و ترجمه ویکنز را لفظی متعادل (modified literal) باید نامید . اما آنچه در هر دو ترجمه به عنوان جنبه های ترجمه ناپذیر از بین رفته است محسنات ادبی شعر فارسی مانند وزن و قافیه و خوش آهنگی است که نه در ترجمه لفظی قابل انتقال بوده و نه در ترجمه لفظی متعادل .

ترجمه لفظی یا تحت اللفظی روش سنتی و قدیمی ترجمه است که قدمت آن به قرن سوم قبل از میلاد می رسد . اولین ترجمه هائی که از یونانی به لاتین بوده و از آن زمان مانده ترجمه های تحت اللفظی هستند . بر اساس آنچه داگلاس رابینسون در مقاله «ترجمه لفظی» (در دائرة المعارف ترجمه ، ویراسته مونابیکر ، ۱۹۹۸) می نویسد « تا نیمه قرن اول قبل از میلاد که سیسرو (Cicero) برای اولین بار نظریه ترجمه را برای تربیت خطیب ارائه داد ترجمه معمول کلاً تحت اللفظی بود . بنابراین وقتی سیسرو و بعدها هوراس (Horace) علیه ترجمه لفظ به لفظ هشدار دادند این هشدار ، بنا به نوشته سیسرو ، در حقیقت متوجه ترجمه به روش مترجمین سنتی می شد ، زیرا در آن زمان منظور از ترجمه همان ترجمه لفظ به لفظ بود و برگرداندن آزاد یک متن از زبان مبدا به

زبان مقصد مانند یک خطیب برای ایجاد رغبت بیشتر در شنونده چیزی کاملاً متفاوت از ترجمه تلقی می‌شد.» لذا برخی از صاحب‌نظران ترجمه بر این عقیده اند که مترجمین لفظ‌گرای امروزی درحقیقت سنت‌گرایانی هستند که از روش قدیمی ترجمه پیروی می‌کنند و با این کار مهر تأیید بر آن می‌نهند. طرفداری ویلادیمیر نبوکف از روش ترجمه لفظ‌گرا به حدی است که او ترجمهٔ درست را منحصر به همین نوع می‌داند و از روشهای دیگر نه با نام ترجمه بلکه با عناوینی مانند تقلید یا شبیه‌سازی (imitation)، تطبیق یا جورسازی (adaptation) و تبدیل یا بدل‌سازی (parody) یاد می‌کند و ترجمه نامیدن چنین روشهایی را ادعای دروغین (شارلاتانیسم) کسانی می‌داند که شبیه‌سازی شعر با این روشها را ترجمه قلمداد می‌کنند. (بیکر، ۱۹۹۸: ۱۲۵؛ حاتیم و میسون، ۱۹۹۳: ۱۴).

ترجمهٔ تحت‌اللفظی در میان صاحب‌نظران ترجمه مخالفانی دارد که آنرا روشی کهنه و مردود می‌دانند. آن‌طور که داگلاس رایبسون (بیکر، ۱۹۹۸: ۱۵۳) نقل می‌کند، جان درایدن (۱۶۸۰) این نوع ترجمه را نقطهٔ مقابل ترجمهٔ آزاد و یکی از دو حد افراطی ترجمه دانسته و مترجم لفظ‌گرا را به آن طناب بازی تشبیه کرده است که با پاهای زنجیر زده شده روی طناب حرکت می‌کند:

بطور خلاصه، مترجم لفظ‌گرا یک دفعه گرفتار چنان مشکلات زیادی می‌شود که هرگز نمی‌تواند خود را از همهٔ آنها رها سازد. او در همان حال که به معنی مورد نظر نویسنده می‌اندیشد باید به بررسی تک‌تک واژه‌ها نیز بپردازد تا برگردان آنها را در زبان دیگر پیدا کند. علاوه بر این، باید به تعداد کلمات و ترتیب آنها نیز پایبند باشد. و این چیزی مانند رقصیدن روی طناب با پاهای زنجیر زده شده است. درچنین کاری ممکن است کسی احتیاط را رعایت کند و از طناب پائین نیفتد، اما نباید انتظار داشت که حرکت او روی طناب زیبایی هم داشته باشد. ترجمهٔ لفظ به لفظ حتی در بهترین حالت چیزی جز یک کار احمقانه نیست، زیرا هیچ آدم عاقلی به خاطر تمجید از اینکه او می‌تواند کار پر خطری را بدون شکستن گردنش انجام دهد خود را به خطر نمی‌اندازد.

نایداوتیبر (۱۹۶۹: ۱۲) درمخالفت با ترجمه تحت‌اللفظی بر این نظرند که مترجم باید به دنبال دست‌یابی به تعادل باشد و نه تطابق کامل. و این درحقیقت تأکیدی بر انتقال پیام است تا حفظ صورت بیان، اما بر این نکته هم تأکید می‌کند که در ترجمهٔ عبارتی مانند

“It came to pass” برگردان واژه‌ها بی معنی است و لذا تعدیل لازم است تا معادل آن در زبان مقصد به دست آید و چنین معادلی گاهی در زبانی مثل فارسی حتی در یک کلمه مانند « بعداً » یا « اخیراً » هم امکان پذیر است. بنابراین باید گفت که ترجمه به معنی جایگزینی تک تک کلمات زبان مبدا با برگردان لفظی آنها در زبان مقصد نیست، بلکه ارائه معادل (equivalent) لازم است و این تنها با برگرداندن واژه‌ها بدست نمی آید. نایداو تبیر در عین حال که تعادل معنایی را به جای تطابق لفظی پیشنهاد می کنند، بر این نکته هم تأکید دارند که در ترجمه متون ادبی و دینی سبک و سیاق متن اصلی نیز از اهمیت خاصی برخوردار است و لذا در فرایند ترجمه باید به دنبال معادلی بود که معنی متن اصلی را در نزدیکترین سبک و سیاق در زبان مقصد ارائه می دهد. اینجاست که ترجمه نظم با ترجمه نثر تفاوت پیدا می کند و ترجمه شعر دقت بیشتر و مهارت ویژه ای را می طلبد تا نزدیکترین معادل معنایی متناسب با سبک متن اصلی عرضه شود.

بر اساس آنچه جرمی ماندی (۲۰۰۱:۱۹) می نویسد ترجمه معمول در روم باستان لفظ به لفظ، یعنی جایگزینی هر واژه متن اصلی یونانی با نزدیکترین معادل دستوری آن در زبان لاتین بوده است، و دلیل آنهم این بوده که رومی‌ها ترجمه را در کنار متن اصلی می خواندند. مخالفت سیسرو و هوراس با ترجمه لفظ به لفظ در اواسط و اواخر قرن اول قبل از میلاد باعث شد که در قرنهای بعد روش ترجمه از لفظ گرائی به معنی گرائی سوق داده شود، آنطور که سنت جروم مترجم معروف قرن چهارم میلادی در دفاع از روش معنی گرائی در ترجمه می نویسد:

اینک نه تنها می پذیرم بلکه آشکارا اعلام می کنم که در ترجمه از یونانی از روش معنی به معنی به جای لفظ به لفظ استفاده می کنم، مگر در ترجمه کتاب مقدس که در آن ساختار نحوی نیز رمز و رازی دارد. (St Jerome 395 CE /1997 : 25)

بحث ترجمه لفظ به لفظ و معنی به معنی که دو روش مقابل هم هستند تا به امروز ادامه یافته و هر کدام از آنها در طول تاریخ ترجمه، به ویژه در ترجمه متون دینی، فلسفی و ادبی، موافقان و مخالفانی داشته است. در چین و کشورهای آسیای جنوب شرقی چگونگی روش ترجمه «سوتراها» (sutras)، یعنی احکام و اندرزهای دین برهمن و روایات کتاب مقدس دین بودا، از زبان سانسکریت زمینه خوبی را برای مطرح شدن روشهای مختلف ترجمه فراهم آورده و بحث های زیادی را در مورد دو روش «لفظی» و

«آزاد» به دنبال داشته است. در جهان عرب، بغداد مرکز بزرگی برای مترجمان معروف بوده که در آن به ترجمه آثار علمی و فلسفی یونانی به عربی می پرداختند. طبق آنچه جرمی ماندی (۲۰۰۱:۲۱) از دلیسل و وودسورت (۱۹۹۵:۱۱۲) نقل می کند، در دوره خلافت عباسی فعالیت های ترجمه در بغداد شدت و گستردگی بیشتری داشته و محور کار ترجمه آثار علمی و فلسفی یونانی از زبان سریانی به عربی بوده است. مونابیکر، دانشمند مصری الاصل معاصر مسائل ترجمه با پیروی از روزنتال (۱۹۶۵:۹۴) دو روش معمول ترجمه در آن دوره را چنین بیان می کند:

اولین روش که مربوط به یوحنا ابن البطریق و ابن ناعمه الحمسی می شد روشی کاملاً لفظ به لفظ و عبارت بود از جایگزین کردن هر کلمه یونانی با یک کلمه عربی، و هر جا هم که معادل عربی وجود نداشت واژه یونانی عیناً به عربی منتقل می شد. (بیکر، ۱، ۱۹۹۸:۳۲۰)

این روش لفظ به لفظ ناموفق در آمد و لذا تبدیل به روش معنی به معنی شد که بیکر در بیان آن می نویسد:

روش دوم که مربوط به ابن اشراق و الجواهری می شد ترجمه معنی به معنی بود و در آن معنی متن اصلی درجملاتی سلیس و روان در زبان مقصد ارائه می شد بدون آنکه تحریفی در ساختار طبیعی آن ایجاد شود. (بیکر، ۱۹۹۸:۳۲۱)

در جوامع غربی تا بیش از هزار سال بعد از سنت جروم مهمترین کارهای ترجمه مربوط به کتاب مقدس و سایر متون دینی و فلسفی می شد. روش معمول ترجمه لفظ به لفظ بود و به خاطر قداست و مورد احترام بودن متون دینی ترجمه آزاد نوعی انحراف از متن اصلی و بی احترامی به متون مقدس تلقی می گردید، و آنطور که جرمی ماندی (۲۰۰۱:۲۲) می نویسد، ترجمه غیر لفظی که ترجمه غیر قابل قبول بود به عنوان سلاحی بر علیه کلیسا به حساب می آمد. معروفترین نمونه این گونه ترجمه، ترجمه آلمانی کتاب عهد جدید در سال ۱۵۲۲ و عهد عتیق در سال ۱۵۳۴ است که هر دو بوسیله مارتین لوتر انجام شد، همان کس که نقش محوری در جنبش مذهبی در سده شانزدهم میلادی برای اصلاح کلیسای روم داشت. وی که متهم به تحریف تورات و انجیل در ترجمه های خود گردید معتقد بود کتاب مقدس باید با در نظر گرفتن زبان

مورد استفاده عامه مردم طوری ترجمه شود که قابل فهم برای خوانندگان عادی در زبان مقصد باشد. نکته مهم دیگری که در اینجا می توان به آن اشاره کرد این است که در آن زمان منظور از ترجمه همان ترجمه لفظ به لفظ بود و درستی و صداقت در ترجمه نیز در محدوده همین معنی پذیرفته می شد و لذا کسی که در ترجمه کتاب مقدس پا را از این محدوده فراتر می گذاشت و دست به ترجمه آزاد می زد خود را در معرض اتهام تحریف متون دینی قرار می داد.

هنوز قرن هفدهم پایان نیافته بود که مترجمان در اروپا به ترجمه معنی به معنی روی آوردند. اینان ترجمه لفظ به لفظ را مورد انتقاد قرار دادند و صداقت در ترجمه را وفاداری به معنی و نه به کلمات متن اصلی شناختند. جر می ماندی (۱۶۲۴: ۲۰۰۱) در این مورد به نقل از آموس (۱۴۹: ۷۳ / ۱۹۲۰) به کالی (۱۶۴۰) اشاره می کند که در مقدمه خود به قصاید پنداری (Pindaric Odes) برگردان لفظ به لفظ اشعار کلاسیک یونانی و لاتین به نثر فرانسوی و ایتالیایی را مورد حمله قرار داده است. کالی روش شبیه سازی یا تقلید (imitation) را برای ترجمه آزاد شعر پیشنهاد می کند و معتقد است که برای جبران زیبایی متن اصلی شعر که بطور غیر قابل اجتناب در فرایند ترجمه از بین می رود می توان زیبایی جدیدی را در زبان مقصد شبیه سازی کرد.

روش ترجمه آزاد پیشنهادی کالی واکنشهایی را به دنبال داشت که از آن جمله می توان به واکنش جان درایدن، مترجم شاعر پیشه انگلیسی اشاره کرد. درایدن که نظراتش تأثیر بسزایی در مباحث و مسائل ترجمه داشته روشهای ترجمه را به سه نوع تقسیم کرده است: ۱- ترجمه لفظی ۲- ترجمه تفسیری ۳- ترجمه تقلیدی. طبق نوشته ماندی (همان ، ۲۵)، درایدن (۱۷-۱۸/ ۱۶۸۰/ ۱۹۹۲) ترجمه لفظی و تقلیدی را قبول ندارد و فقط ترجمه تفسیری را توصیه می کند و این از دیدگاه وی نوعی ترجمه آزاد است که در آن مترجم به معنی متن اصلی بیشتر توجه دارد تا به تک تک کلمات آن. این روش مستلزم تغییر عبارات است و در واقع ترجمه معنی به معنی می باشد. ترجمه لفظی از نظر درایدن، همان طور که قبلاً گفته شد، شبیه به بازی کردن روی طناب با پاهای زنجیر زده شده است که کاری عاقلانه نیست. ترجمه تقلیدی هم که کالی پیشنهاد کرد و واکنشی را از جانب درایدن به دنبال داشت ترجمه ای بسیار آزاد است که در آن مترجم

پایبندی چندانی به کلمات و معنی متن اصلی ندارد و متن اصلی در حقیقت فقط نقش الهام بخشی دارد.

روشهای مختلف ترجمه ادبی، به ویژه ترجمه شعر، هنوز یکی از بحث های مهم در میان دانشمندان ترجمه است. جونزمیشل (۱۹۹۷) چهار روش برای ترجمه شعر پیشنهاد می کند: ۱- ترجمه لفظی ۲- ترجمه تقریبی ۳- ترجمه تعدیلی ۴- ترجمه تقلیدی. وی در تعریف خود از ترجمه لفظی آنرا به ترجمه ای اطلاق می کند که هم معنی و هم ساختار متن اصلی را برساند، یعنی تمام مقاصد، مطالب و معانی موجود در متن اصلی به همراه ویژگی های صوری شعر مانند هم صدائی، تجانس، قافیه، تأکید و وزن در ترجمه منعکس شده باشد، که البته دست یابی به چنین ترجمه ای تقریباً غیرممکن است زیرا ترجمه تمام جنبه های شعر از یک زبان به زبان دیگر بطور دقیق امکان پذیر نیست. در ترجمه تقریبی یا تخمینی برای رسیدن به ترجمه ای رسا در زبان مقصد از برخی جنبه های متن اصلی صرف نظر می شود. این صرف نظر در ترجمه تعدیلی جنبه های بیشتری را در بر می گیرد و لذا ترجمه هم از نظر معنایی و هم از لحاظ ساختاری فاصله بیشتری با متن اصلی پیدا می کند. ترجمه تقلیدی در شعر از دیدگاه این تقسیم بندی ساختن شعری جدید با موضوع شعر اصلی در زبان مقصد است. در این روش که شبیه سازی هم می توان نامید مترجم شاعریشه شعر مشابهی را با موضوع یا مطلب شعر اصلی در زبان مقصد می سازد که از لحاظ معنایی شبیه متن اصلی است ولی از نظر ساختاری ویژگی های صوری شعر زبان مقصد را دارد.

جولیان هوس (۱۹۸۱) ترجمه متون ادبی را به دو نوع تقسیم می کند: ۱- ترجمه نهان ۲- ترجمه آشکار. ترجمه نهان به ترجمه ای گفته می شود که در آن برای رساندن معنی متن اصلی از ساختار طبیعی و معمول در زبان مقصد استفاده می شود و لذا زبان ترجمه چنان طبیعی و روان است که از متون اصلی نوشته شده در زبان مقصد قابل تشخیص نیست، به عبارت دیگر طبیعی بودن زبان ماهیت ترجمه را چنان تحت الشعاع خود قرار می دهد و پنهان می دارد که از نظر معیارهای زبان شناختی نمی توان بین چنین ترجمه و متون اصلی دیگر در زبان مقصد فرقی قائل شد. این نوع ترجمه در واقع همان ترجمه معنی گراست و هدف مترجم در آن رساندن معنی در ساختار طبیعی زبان مقصد است و نه ترجمه لغات و عبارات متن اصلی. در ترجمه آشکار، همان طور که عنوان آن

گویاست، ماهیت ترجمه آشکارا پیداست و این ناشی از غیر طبیعی و تصنعی بودن زبان ترجمه است که ماهیت ترجمه را به وضوح نشان می دهد. ترجمه لفظ به لفظ که در آن توجه چندانی به ساختارهای طبیعی زبان مقصد نمی شود و کلمات و ساختار نحوی متن اصلی بیشتر مورد توجه قرار می گیرد نوعی ترجمه آشکار است، زیرا عدم توجه کافی به معیارها و ساختارهای معمول در زبان مقصد باعث می شود زبان ترجمه غیرطبیعی و نامعمول جلوه کند و ماهیت ترجمه را آشکارا نشان دهد.

آنطور که ارنست اوگوست گات (۱۹۹۱:۴۶) می نویسد، از نظر جولیان هوس دست یابی به معادل طبیعی و رسا تنها در ترجمه های نهان که ساختار طبیعی و روان دارند امکان پذیر است. در ترجمه های آشکار چون از ساختارهای نحوی غیر طبیعی و نامعمول استفاده می شود دست یابی به معادل های طبیعی، روان و رسا تقریباً غیر ممکن است. البته رسیدن به معادل طبیعی و رسا حتی در ترجمه های نهان هم به علت وجود تفاوت های فرهنگی - اجتماعی بین دو زبان مبداء و مقصد همیشه به آسانی ممکن نیست. مثلاً کلمه «سیمرغ» و اصطلاح «چهارشنبه صوری» هر دو مخصوص فرهنگ زبان فارسی هستند و معادلی در زبانهای دیگر ندارند، بنابراین یافتن معادل رسا و روان حتی در ترجمه های نهان برای این گونه کلمات و اصطلاحات امکان پذیر نیست و لذا مترجمین در این گونه موارد یا آنها را در زبان مقصد آوانگاری می کنند و سپس در داخل پراتتز یا در پاورقی توضیح می دهند و یا به روشهای دیگری مانند ترجمه توضیحی و غیره متوسل می شوند.

در اینجا یاد آوری این نکته نیز لازم است که تقسیم روشهای ترجمه متون ادبی به دو نوع کلی لفظ گرا و معنی گرایا آشکار و نهان به این معنی نیست که انواع ترجمه ادبی محدود به همین عناوین است، زیرا علاوه بر آنکه هر یک از این انواع دارای درجات مختلف است هر ترجمه ای نیز سبک و سیاق خاص خود را دارد که می تواند متفاوت از ترجمه های دیگر باشد. به عبارت دیگر، یک ترجمه لفظ گرامی تواند از نظر سبک و سیاق و میزان نزدیکی به صورت و معنی اصلی متفاوت از سایر ترجمه های لفظ گرای همان متن باشد؛ این موضوع در مورد انواع دیگر ترجمه متون ادبی نیز صادق است. بنابراین، هر ترجمه از یک متن ادبی، چه لفظ گرا باشد و چه معنی گرا، از نظر میزان دوری و نزدیکی نسبت به متن اصلی در یک درجه خاص از لفظ گرایی یا معنی گرایی قرار دارد که

متفاوت از ترجمه های دیگر همان متن می باشد. در این مورد به عنوان مثال می توان از دهها ترجمه انگلیسی قرآن کریم نام برد؛ این ترجمه ها را از یک دید خاص می توان به دو نوع کلی لفظ گرا و معنی گرا تقسیم کرد، اما این حقیقت را هم نمی توان نادیده گرفت که در هر کدام از این دونوع یا دو گروه ترجمه، ترجمه های متعددی قرار می گیرند که هر یک در عین لفظ گرا یا معنی گرا بودن سبک و سیاق خاص خود را دارد و نیز درجه ای خاص از لفظ گرائی یا معنی گرائی را داراست و لذا متفاوت از همه ترجمه های دیگر است.

یوجین ناید در مقاله ای (ویراسته و نیوتی، ۱۳۶: ۲۰۰۰) در مورد انواع ترجمه می نویسد: «از دیدگاه سنتی معمولاً ما به ترجمه آزاد یا تفسیری و ترجمه تطبیقی یا لفظی فکر می کنیم، اما حقیقت این است که درجات ترجمه بسیار بیشتر از اینها است.» وی در ادامه می افزاید صورت یک پیام را هرگز نمی توان بطور کامل از محتوای پیام جدا کرد زیرا صورت مجزا از پیام بی ارزش و بی معنی است. در برخی پیام ها محتوای پیام از اهمیت خاصی برخوردار است و در برخی دیگر صورت پیام نیز بسیار مهم است چرا که در رساندن محتوای پیام نقش مهمی را ایفا می کند. یکی از مواردی که در آن صورت و سبک و سیاق کلام نقش مهمی در رساندن محتوای پیام دارد شعر است. بنابراین در ترجمه شعر باید به این نکته توجه شود که انتزاع کامل محتوای پیام از صورت کلام غیرممکن است چرا که بخشی از پیام از صورت کلام جدا شدنی نیست. همین امر باعث شده که در ترجمه شعر با هر روشی خواه ناخواه آن قسمت از پیام که قابل انتزاع از صورت نیست غیر قابل انتقال به زبان مقصد باشد. این پیوند ناگسستنی اساس ترجمه ناپذیری بخشی از محتوای پیام و عمده ترین مشکل در ترجمه شعر است. هر چند روشهای گوناگونی در ترجمه شعر به کار رفته اما هیچ یک موفقیت چندانی در حل این مشکل نداشته است.

شعر فارسی علاوه بر محتوای غنی که دارد از صورت بسیار زیبایی نیز برخوردار است که با بخشی از پیام پیوند گسست ناپذیر دارد. فشردگی کلام توأم با معانی عمیق و احساسی و اشارات ظریف و ضمنی و نیز موزون و خوش آهنگ بودن همه از ویژگی های شعر فارسی هستند که اغلب ترجمه ناپذیر و غیر قابل انتقال به زبان مقصد هستند. البته بسیاری از معانی و مفاهیم شعر فارسی ترجمه پذیرند و لذا تاکنون ترجمه های زیادی از

اشعار فارسی به زبانهای زنده جهان صورت گرفته که برخی از آنها را می توان یک شاعر ادبی در زبان مقصد به حساب آورد. ترجمه های انگلیسی رباعیات خیام، دیوان حافظ، گلستان و بوستان سعدی، و اشعار مولوی از دیدگاه ترجمه شناسی هر کدام کاری استادانه و بسیار با ارزش در زبان انگلیسی است، اما یک حقیقت انکار ناپذیر در مورد همه اینها صادق است و آن اینکه با خواندن هیچکدام از این ترجمه ها هرگز آن لذت دل انگیز و آن احساس خوش آیند و غیر قابل وصفی که از خواندن متون اصلی حاصل می شود به دست نمی آید، چرا که اینگونه لذت ها و احساس ها گرچه بخوبی قابل ادراکند ولی چون غیر قابل بیان هستند ترجمه ناپذیرند.

ترجمه ناپذیری بخشی از محتوای پیام در شعر، به ویژه شعر فارسی، باعث شده روشهای متفاوتی در ترجمه آن به کار گرفته شود. گرچه در هر کدام از این روشها به انتقال جنبه ای خاص از شعر تأکید بیشتری شده اما هیچکدام قادر به انتقال تمام جنبه های متن اصلی به زبان مقصد نیست. برخی از مترجمین لفظ گرائی را در ترجمه اشعار فارسی به انگلیسی ترجیح داده اند به این دلیل که با این روش می توان علاوه بر محتوای پیام صورت کلام را نیز تا آنجا که ظرفیت زبان مقصد می پذیرد به ترجمه منتقل کرد تا مشخصات شعر در ترجمه از بین نرود و ترجمه نظم با ترجمه نثر تفاوت داشته باشد. اما باید دانست که این روش در مواردی از موفقیت خوبی برخوردار نیست هرچند برخی از دانشمندان لفظ گرا آن را تنها روش مناسب برای ترجمه شعر می دانند. ماهیت محتوای پیام، سبک و سیاق متن اصلی و حدود لفظ گرائی همه در میزان موفقیت این روش مؤثرند. در مقدمه ترجمه انگلیسی کلارک از دیوان حافظ در پاسخ این سؤال که آیا اشعار حافظ را می توان لفظ به لفظ معنی کرد یا نه، از چارلس استیووارت نقل شده که گفته: «این امکان هست که چند تائی از اشعار حافظ را بتوان تحت اللفظی فهمید اما از دیدگاه کلی اشعار حافظ سرشار از اشارات و رموز عرفانی هستند.» در پاسخ سؤال دیگری که آیا می توان انعکاسی هر چند ضعیف از آن فصاحت و زیبایی متن اصلی را در زبان انگلیسی ارائه داد آمده است: «حفظ مفهوم و معنی کلی شعر امکان پذیر است، اما حفظ اعتبار هر لفظ و هر بیان ایهام آمیز ممکن نیست؛ همانطور که حفظ تلمیحات عرفانی، جلوه اصالت، و نیز رسائی و روانی بی حد شعر نیز امکان پذیر نیست.»

با توجه به محدودیتهای ترجمه لفظ گرا و با در نظر گرفتن ابهامات، سرهم بندیها، و نارسائی هائی که در این نوع ترجمه می توانند بروز داشته باشند روشهای دیگری نیز در ترجمه شعر به کار رفته اند که آزادی عمل بیشتری به مترجم می دهند تا وی بتواند خود را از محدوده الفاظ رها سازد و به رساندن مفهوم و معنی کلی شعر بپردازد، و لذا برخی از دانشمندان با انتقاد از روش لفظ گرا اعلام کرده اند که توسل به ترجمه الفاظ می تواند تحریف معنی را به دنبال داشته باشد. آنطور که نایدا در مقاله خود (همان، ۱۳۱) نقل می کند، ویلیام کوپر در مورد ترجمه اشعار گوته می نویسد:

اگر در متن اصلی از نظر واژگان ترکیب هائی به کار رفته که مشکلات غیر قابل حلی را در ترجمه مستقیم ایجاد می کنند و ساختارهای کلام نیز کلاً ناهماهنگ و در زبان مقصد غیر قابل فهمند، بهتر است به ترجمه معنی روی آورد و آن را به زبانی رسا با ساختارهایی کاملاً عاری از سر هم بندی و ابهام بیان کرد. این روش را می توان ترجمه فرهنگ به فرهنگ (یامعنی به معنی) نامید.

بنابراین، درست است که در شعر صورت کلام نقش مهمی را در رساندن محتوای پیام ایفا می کند، اما اگر ساختارهای صورت چنان پیچیده و ابهام آمیز باشند که ترجمه مستقیم آنها باعث انتقال آن ابهامات به ترجمه شود بهتر است از روشهای ترجمه معنی به معنی استفاده شود تا ترجمه ای رسا و قابل فهم برای خوانندگان زبان مقصد ارائه گردد.

نتیجه گیری و پیشنهاد

در این مقاله معانی ترجمه پذیری و ترجمه ناپذیری در ارتباط با ترجمه شعر و نیز روشهای مختلفی که مترجمین در ترجمه اشعار کلاسیک فارسی به کار برده اند مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید که شعر فارسی با توجه به محسنات ادبی و زیباییهای معنایی و صوری بسیاری که دارد با هیچ روشی بطور کامل ترجمه پذیر نیست. وزن، قافیه، شیوایی، رسائی و خوش آهنگی که از ویژگیهای اشعار فارسی هستند هرگز با هیچ روشی قابل انتقال به زبان دیگری نیستند مگر آنکه تغییراتی اساسی در آنها صورت بگیرد که این تغییرات نیز باعث تحریف بخشی از معنی می شود و ترجمه متفات از متن اصلی می گردد، و لذا به این نتیجه می توان رسید که هیچ ترجمه ای از اشعار فارسی در

هر روشی که باشد و با هر دقت و مهارتی که صورت بگیرد هرگز نمی تواند مطابقت کامل با متن اصلی داشته باشد. در کلام شعر بخشی از معنی گرچه قابل احساس و فهمیدنی است اما قابل بیان و ترجمه کردنی نیست. این معانی احساسی و اشارات ضمنی همان جنبه هائی هستند که ترجمه ناپذیرند و به زبان دیگری منتقل نمی شوند. یکی از روشهای معمول در ترجمه شعر روش لفظ گراست که طرفداران و مخالفانی دارد. ویلادیمیر نبوکوف که از طرفداران آن می باشد معتقد است لفظ گرائی بهترین روش برای ترجمه شعر است و تنها روشی است که می تواند ماهیت و اساس شعرا را به زبان مقصد منتقل کند. البته منظور وی از لفظ گرائی ترجمه دقیق معنی متن اصلی با در نظر گرفتن ظرفیتهای معنایی و نحوی زبان مقصد است که نیومارک نیز در مورد ترجمه لفظی نظری مشابه دارد. از طرف دیگر، جان درایدن مترجم لفظ گرا را به آن طناب بازی تشبیه کرده است که با پاهای زنجیر زده شده روی طناب حرکت می کند، گرچه چنین حرکتی ممکن است به سقوط منجر نشود اما حرکتی موزون، زیبا و آهنگین نخواهد بود. علاوه بر دو نوع ترجمه لفظی و آزاد که دو قطب ترجمه به حساب می آیند انواع دیگری نیز هستند که با در نظر گرفتن میزان دوری و نزدیکی نسبت به معنی و صورت متن اصلی در درجات مختلفی بین این دو قطب یا دو حد نهائی قرار می گیرند. از یک دیدگاه هم می توان گفت هر ترجمه ای از یک متن معین از نظر دوری و نزدیکی به اصل جایگاه و یژه و سبک و سیاق و روش خاص خود را دارد و لذا متفاوت از هر ترجمه دیگر آن متن می باشد.

در این بررسی به دلیل محدودیت حجم مقاله فرصت آن نشد که روشهای مختلف ترجمه شعر به تفصیل مورد مطالعه قرار گیرند، و لذا پیشنهاد می شود کسانی که علاقمند به تحقیق در این زمینه هستند به مطالعه تفصیلی و مقایسه انواع ترجمه متون ادبی، به ویژه ترجمه شعر، بپردازند و محاسنات و معایب هر کدام از آنها را مورد ارزیابی و نقد قرار دهند.

منابع

- Baker, M. (Ed.) , Encyclopedia of Translation Studies,
Routledge, London , 1998 .
- Beekman , J. and J . Callow, Translating the Word of God,
Zondervan, 1989.
- Clarke, H. W. , The Bustan of Sa `di, translated into English ,
Dars Publishers, London , 1985.
- _____ Divan-e Hafiz, translated into English , Padideh
Publishers, Tehran , 1362(S.H.).
- Hatim , B. and I . Mason , Discourse and the Translator ,
Longman, London and New York , 1993 .
- Gutt, Ernst-August, Translation and Relevance : Cognition
and Context, Blackwell Publishers, Oxford, 1991.
- Jackson , R. “From Translation to Imitation ‘ ’ , Internet file
: 2001, [http:// www. utc . edu /~ engldept/pm/ontransl.htm](http://www.utc.edu/~engldept/pm/ontransl.htm).
- Jones, M. H., The Beginning Translator’s Workbook,
University Press of America , New York, 1997.
- Munday , J. Introducing Translation Studies, Routledge,
London, 2001.
- Newmark, P. A Textbook of Translation , Uk : Prentice Hall
International Ltd. 1988.
- Nida, E. A, “Principles of Correspondence” , in The
Translation Studies Reader, Edited by L.Venuti, Routledge,
London , 2000.
- Nida, E.A. and C.R. Taber, The Theory and Practice of
Translation, Leiden , Brill publisher, 1982.
- Robinson, D. ,” Literal Translation” and “Metaphrase” , in
Routledge Encycloped of Translation Studies, Edited by M.
BaKer, 1998.
- Wickens, G. M., The Bustan of Sa `di, translated into English
, Iranian National Commission for Unesco , Tehran, 1363(
S.H.).